

تقسیم منافع موهوم شرکتهای سهامی در حقوق ایران؛ با نگاهی به حقوق فرانسه

مسعود امانی • استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m-amani@srbiau.ac.ir

مرتضی نجف‌آبادی فراهانی • دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
najaf1386@yahoo.com

چکیده

رعایت تشریفات قانونی در تقسیم سود، از یک‌سو حقوق سهامداران را تضمین کرده و از سوی دیگر مانع از تضییع حقوق طلبکاران شرکت می‌گردد. به همین جهت، افزون بر ضمانت اجرای حقوقی، قانونگذار ایرانی در ماده ۲۵۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، ضمانت اجرای کیفری سختگیرانه‌ای در این باره وضع نموده است. در قانون تجارت ایران و لایحه اصلاح قسمتی از آن، از عدم رعایت تشریفات قانونی در تقسیم سود به «تقسیم منافع موهوم» تعبیر شده است؛ اصطلاحی که از حقوق خارجی اقتباس گردیده و مواد قانونی ناظر به آن ترجمه‌ای از قوانین کشور فرانسه است. از آن رو که در حقوق ایران به موضوع «تقسیم منافع موهوم» چندان پرداخته نشده و این پرسش اساسی پیرامون آن باقی است که «آیا قانونگذار در ماده ۲۴۰ لایحه پیش‌گفته، در مقام تأسیس قاعده‌ای برآمده که تشریفات مصرح در ماده تنها مصادیقی از آن است، یا خیر؟» در پاسخ به این پرسش، و در مقام اثبات این فرضیه که تحقق عنوان «تقسیم منافع موهوم» صرفاً محدود به نقض تشریفات مصرح در ماده ۲۴۰ لایحه نیست، و همچنین تبیین ابعاد حقوقی دیگر تقسیم منافع موهوم در حقوق ایران، مقاله حاضر کوشیده است با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیم‌نگاهی به حقوق فرانسه، اولاً، شروط ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت را به عنوان تشریفات «تقسیم سود واقعی» تبیین کرده و ثانیاً، تشریح نماید که با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، امکان تعمیم ضمانت اجرای ماده ۲۴۰ لایحه مذکور به سایر شرکتهای تجاری وجود ندارد و لازم است که تقسیم منافع موهوم در تمامی شرکتهای جرم‌انگاری شود و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری تقسیم منافع موهوم و همچنین دعاوی قابل طرح در این راستا احصاء گردد.

واژگان کلیدی: شرکت سهامی، تقسیم سود، سود واقعی، منافع موهوم.



هرچند شرکت سهامی می‌تواند در امور غیرتجاری نیز فعالیت کند، ولی هدف عمده اشخاص از مشارکت در آن، کسب سود است (سکوتی نسیم، ۱۴۰۱، ج ۱، ص. ۱۳۰) اهمیت این موضوع به قدری است که کشورهای پیرو رویکرد انگلیسی-آمریکایی در اداره شرکت‌ها، افزایش سود سهامداران را محوری‌ترین هدف شرکت‌های سهامی می‌دانند (عابدینی و تراشیون، ۱۴۰۲، ص. ۳۲۳) مؤلفان هم «حق سهامداران نسبت به سود» را از حقوق اساسی در این شرکت‌ها برشمرده و شرکت را مکلف به واگذاری سود تحصیل شده دانسته‌اند. (کاویانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۴) در فرانسه از چنین سودی با اصطلاح «سود واقعی»^۱ تعبیر گردیده و در مقابل آن از اصطلاح «سود موهوم»^۲ استفاده شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹۰)

منظور از سود موهوم سودی است که بدون رعایت تشریفات قانونی تقسیم گردد. تقسیم این سود، حقوق طلبکاران شرکت را تهدید می‌نماید؛ زیرا سرمایه شرکت وثیقه طلب طلبکاران است و تقسیم سود موهوم می‌تواند منجر به تقسیم سرمایه شرکت شود. (اسکینی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۲۸۲) افزون بر این، تقسیم سود موهوم ممکن است دارا شدن بلاجهت برخی از سهامداران و ضرر سایرین را در پی داشته باشد.

ملاحظات فوق موجب شده قانونگذار در کنار ضمانت اجرای حقوقی، برای عدم رعایت تشریفات تقسیم سود در شرکت‌ها، ضمانت اجرای کیفری در نظر بگیرد. طبق بند (۱) ماده ۲۵۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور، منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند، به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد. هم‌چنین براساس بند (ج) ماده ۱۱۵ قانون تجارت، مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند، کلاهبردار محسوب می‌شوند.

1. Dividende réel
2. Dividende fictive

با وجود اهمیت موضوع مقابله با تقسیم منافع موهوم در شرکت‌های تجاری، در نظام حقوقی ایران به این موضوع توجه چندانی نشده است. مراجعه به تألیفات داخلی نشان می‌دهد که مباحث در حد بیان مفهوم سود قابل تقسیم و نحوه تقسیم آن باقی مانده و به مجازات تقسیم منافع موهوم هم اشاره شده است. (رک. ستوده تهرانی، ۱۴۰۲، ج ۲، صص. ۲۶۰-۲۶۲؛ عبادی، ۱۴۰۲، صص. ۱۲۶-۱۲۵؛ اسکینی، ۱۴۰۱، ج ۲، صص. ۲۵۸-۲۶۲؛ حسنی، ۱۳۹۸، ج ۲، صص. ۱۵۸-۱۶۱؛ فرحناکیان، ۱۴۰۱، صص. ۸۵۵؛ دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۲۴۱ و ۲۷۳)

حال آن‌که پرسش‌های مهم‌تر و کاربردی‌تر آن است که دایره شمول ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت چیست؟ به تعبیر دیگر، آیا تقسیم منافع موهوم صرفاً در فروض مندرج در ماده ۲۴۰ لایحه محقق می‌شود یا این‌که فروض مزبور تنها مصادیقی از آن بوده و مواردی مانند تخصیص سود به غیرسهامدار نیز می‌تواند مشمول آن گردد؟ علاوه بر این، آیا حکم ماده ۲۴۰ لایحه مختص شرکت‌های سهامی است یا نسبت به سایر شرکت‌های تجاری هم سرایت دارد؟ همچنین ضمانت اجرای حقوقی و کیفری تقسیم منافع موهوم و دعاوی قابل طرح در این باره چیست؟

مقاله پیش رو درصدد برآمده با رویکرد تطبیقی و با توجه به نظام حقوقی فرانسه به پرسش‌های فوق پاسخ دهد و به اثبات برساند که طبق ماده ۲۴۰ لایحه، تحقق تقسیم منافع موهوم در شرکت‌های سهامی منحصر به نقض تشریفات مصرح در ماده مذکور نیست و هر سودی که برخلاف هریک از مقررات قانون تجارت تقسیم شود موهوم بوده و از طریق محاکم قضایی قابل پیگیری است. در همین راستا، ابتدا شروط ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت به عنوان تشریفات تقسیم سود تبیین می‌گردد؛ سپس استثنا یا قاعده بودن ماده ۲۴۰ لایحه بررسی می‌شود؛ در ادامه هم ضمانت اجرای ماده ۲۴۰ ذکر می‌گردد.

۱- تشریفات تقسیم سود در ماده ۲۴۰ لایحه

قانونگذار در ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، تشریفات را برای تقسیم سود برشمرده است که در این قسمت به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱- اتخاذ تصمیم توسط مجمع عمومی: مطابق ماده ۲۴۰ لایحه، رکن تصمیم گیرنده درباره تقسیم سود «مجمع عمومی» است. (ستوده تهرانی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص. ۲۶۱) با توجه به تصریح ماده ۹۰ لایحه به این‌که «تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی عادی جایز خواهد بود»، روشن است که منظور از مجمع عمومی در ماده ۲۴۰ لایحه «مجمع عمومی عادی» است.

به‌علاوه، از آن رو که براساس ماده ۸۶ لایحه، مجمع عمومی عادی صلاحیت عام دارد و نسبت به کلیه امور شرکت به استثنای موارد در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده تصمیم می‌گیرد (کاتبی، ۱۴۰۰، ص. ۷۸؛ عبدی پور فرد، ۱۴۰۲، ج ۲، ص. ۱۹۶) لذا حتی در صورت سکوت قانونگذار درباره مرجع تقسیم سود، باز هم به دلیل عدم اعطای این اختیار به مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده، مجمع عمومی عادی صالح به تقسیم سود می‌بود.

طبق مواد ۲۴۰ و ۹۰ لایحه، هیچ مرجعی چه در داخل شرکت و چه خارج از آن نمی‌تواند پیرامون تقسیم سود تصمیم بگیرد و تقسیم منافع جز با مصوبه مجمع عمومی شرکت، مصداق تقسیم منافع موهوم خواهد بود. دقیقاً مانند حقوق فرانسه که براساس ماده L232-12 قانون تجارت، تنها مجمع عمومی پیرامون تقسیم سود تصمیم می‌گیرد و هر تقسیم سودی برخلاف این مقررات تقسیم سود موهوم است.^۱

در همین راستا، شعبه ۱۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران طی دادنامه شماره ۲۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۸ دعوی اقامه شده دایر بر «الزام شرکت به پرداخت سود به سهامدار بدون وجود مصوبه مجمع عمومی عادی» را غیرقابل استماع شمرده و ترتیب اثر دادن به آن را موجب تحقق تقسیم منافع موهوم دانسته است. شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۰۵۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۱، با این استدلال که «از طرف تجدیدنظر خواه دلیلی که حکایت از تشکیل مجمع عمومی و تصویب تقسیم سود سهام به نحوی که

1. Article L232-12- «...l'assemblée générale détermine la part attribuée aux associés sous forme de dividendes... Tout dividende distribué en violation des règles ci-dessus énoncées est un dividende fictif.»

در ماده ۹۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت داشته باشد ارائه نگردیده؛ و تجدیدنظرخواه حسب الاظهار، بیش از یک پنجم سهام شرکت یاد شده را دارد و می‌تواند در صورت عدم تشکیل مجمع عمومی یاد شده، مبادرت به تقاضای تشکیل مجمع مذکور و تعیین تکلیف در خصوص سود سهام ادعایی وفق مقررات حاکم نماید» رأی دادگاه بدوی را عیناً تأیید نموده است.
(<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/449>)

همین‌طور شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی سندج در خصوص دعوی «مطالبه سود سهام بدون اخذ مصوبه مجمع عمومی عادی»، پس از تبیین این موضوع که «تقسیم سود بین صاحبان سهام مطابق ماده ۹۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ تنها پس از تصویب مجمع عمومی شرکت جایز است و تحقیقات انجام یافته و پاسخ اداره ثبت شرکت‌های سندج دلالت بر آن دارد که طی چند سال گذشته، مجمع عمومی عادی شرکت تشکیل نگردیده و ترازنامه و حساب سود و زیان مالی مورد رسیدگی قرار نگرفته است و هیچ یک از مسئولین شرکت و از جمله خواهان که بازرس شرکت است به وظایف خود در مورد تشکیل مجمع عمومی وفق مواد ۸۹ و ۹۱ قانون مذکور عمل نکرده‌اند»، مستند به ماده ۹۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت قرار رد صادر نموده است. فرجام‌خواهی صورت گرفته نسبت به رأی مذکور هم، منجر به ابرام آن توسط شعبه ۸ دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۸/۵۴۶ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۵ گردیده است.
(بازگیر، ۱۳۷۸، ص. ۲۰۱)

البته توجه به این نکته ضروری است که تصمیم مجمع عمومی تنها در حالتی واجد اثر است که اطلاعات ارائه شده به آن صحیح باشد. لذا اگر مجمع بر مبنای صورت‌داری و ترازنامه مزور اتخاذ تصمیم نموده باشد، منافع تقسیمی موهوم است و مدیران نمی‌توانند با استناد به مصوبه مجمع خود را از مسئولیت میرا سازند. از همین رو دادگاه تجدیدنظر فرانسه حکم محکومیت مدیر شرکتی که به دلیل تقسیم منافع موهوم از طریق تهیه ترازنامه تقلبی، به هجده ماه حبس و ۵۰۰ فرانک جریمه نقدی محکوم گردیده بود را تأیید نمود و صرف وجود مصوبه مجمع را رافع مسئولیت وی ندانست. (<https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT000007053629>)

۱-۲- **تصویب حساب‌های سال مالی:** مسئولیت تهیه حساب‌های سال مالی شرکت برعهده هیأت مدیره است. (نوروش و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۶۵) طبق ماده ۲۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی، صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به همراه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی گذشته تنظیم نماید.

پس از تهیه این موارد، تصویب یا رد آن با مجمع عمومی عادی است. ماده ۲۴۰ لایحه صراحتاً تصویب حساب‌های سال مالی را شرط تقسیم سود دانسته و بدیهی است که تقسیم سود بدون وجود مصوبه مزبور مصداق تقسیم منافع موهوم می‌باشد. در حقوق فرانسه نیز به موجب ماده L232-12 قانون تجارت، شرط مذکور به عنوان یکی از تشریفات تقسیم سود واقعی ذکر گردیده است.^۱

۱-۳- **احراز وجود سود قابل تقسیم:** ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، احراز وجود سود قابل تقسیم را لازمه تقسیم منافع دانسته است. این تشریفات در ماده L232-12 قانون تجارت فرانسه هم مشاهده می‌گردد.^۲

مطابق ماده ۲۳۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، «سود قابل تقسیم عبارت است از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است.» در تعریفی جامع‌تر، مقصود از سود قابل تقسیم، مبلغی از سود خالص است که میزان آن پس از پرداخت مالیات و موضوع کردن زیان سنوات مالی گذشته، اندوخته قانونی، ذخایر و اندوخته‌های

1. Article L232-12- «Après approbation des comptes annuels l'assemblée générale détermine la part attribuée aux associés sous forme de dividendes...»
2. Article L232-12- «Après ... constatation de l'existence de sommes distribuables, l'assemblée générale détermine la part attribuée aux associés sous forme de dividendes...»

دیگر و پاداش هیأت مدیره از یک طرف؛ و افزودن سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده به آن از طرف دیگر، مشخص می‌گردد. (حسنی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص. ۱۶۰)

به اعتقاد حقوقدانان هرگاه حساب‌های شرکت بیانگر فقدان سود قابل تقسیم باشد، تأدیه هیچ گونه وجهی به سهامداران ممکن نبوده و اگر وجهی به آنان پرداخت گردد در حکم تقسیم سود موهوم است و مجازات تعیین شده در بند یک ماده ۲۵۸ لایحه را در پی دارد. (اسکینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۲۶۱)

۴-۱- تعیین مبلغ سود قابل تقسیم: براساس ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مجمع عمومی عادی باید مبلغ سود قابل تقسیم را به طور دقیق تعیین نماید. لذا بدون آن، تقسیم سود میان صاحبان سهام میسر نبوده و چنانچه مبلغی تأدیه شود مصداق تقسیم منافع موهوم است. در ماده L232-12 قانون تجارت فرانسه نیز همین شرط وجود دارد.^۱

البته به موجب ذیل ماده ۹۰ لایحه در صورت وجود منافع، مجمع ملزم به تقسیم ده درصد از سود ویژه سالیانه بین صاحبان سهام است و در صورت تخطی، دادگاه می‌تواند در حد ده درصد اجباری مزبور، دعوی سهامداران را استماع نماید. چنان‌که شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایوانکی طی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۳۶۰۴۰۱۱۹۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۸ به استناد اصل ۴۰ قانون اساسی با موضوع نفی ضرر و قاعده الحاکم ولی الممتنع، دادگاه را صالح به ورود در دعوی مطالبه سود صاحبان سهام دانسته است. (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۱۵۴-۱۵۵) در واقع، ماده ۹۰ لایحه برای جلوگیری از سوءاستفاده اکثریت از حق خود وضع گردیده است؛ زیرا بدون وجود آن، اکثریت می‌توانستند مبالغ هنگفتی را بابت اندوخته اختیاری کنار بگذارند و صاحبان سهام اقلیت را از سود سالیانه حاصل از سرمایه‌گذاری‌شان محروم سازند. (اسکینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۲۶۰)

1. Article L232-12- «... l'assemblée générale détermine la part attribuée aux associés sous forme de dividendes...»

۱-۵- تجویز تقسیم سود از محل اندوخته‌ها: قانونگذار در مواد ۲۴۰ و ۹۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر داشته است که تقسیم اندوخته میان صاحبان سهام مجاز بوده و مجمع عمومی سالیانه می‌تواند تصمیم بگیرد مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین سهامداران تقسیم گردد.

منظور از اندوخته، بخشی از سود خالص هر سال شرکت است که به عنوان اقدامی احتیاطی و جهت تقویت بنیه مالی شرکت، در میان سهامداران تقسیم نمی‌شود و در اختیار شرکت باقی می‌ماند. آن میزان از اندوختن سود که به حکم قانون الزامی است، «اندوخته قانونی» بوده و مقدار زائد بر آن «اندوخته اختیاری» است. (کاویانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۶) طبق مواد ۲۳۸ و ۱۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، پس از کسر زیان‌های وارده در سال‌های قبل از سود خالص، باید معادل یک بیستم آن به عنوان اندوخته قانونی موضوع شود و هر تصمیمی مخالف با این مقررہ باطل است. لکن هرگاه اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید، موضوع کردن آن اختیاری است.

بنابراین هرگاه وجهی از محل اندوخته قانونی شرکت میان صاحبان سهام تقسیم شود، بدون شک تقسیم منافع موهوم صورت گرفته است. همچنین با توجه به قید «امکان تقسیم مبالغی از اندوخته‌های شرکت» که افاده جزئیت می‌نماید، به نظر می‌رسد که تقسیم تمام اندوخته اختیاری شرکت میان سهامداران نیز امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۱-۶- تعیین نحوه پرداخت سود: براساس ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، نحوه پرداخت سود قابل تقسیم بین صاحبان سهام باید توسط مجمع عمومی معلوم گردد. لکن اگر به هر دلیلی مجمع علی‌رغم تصویب اصل تقسیم سود و میزان آن، نسبت به نحوه پرداخت سود سکوت

کرد، هیأت مدیره شرکت نحوه تأدیه آن را تعیین خواهد نمود. چنین تشریفاتى در ماده -L232
 13 قانون تجارت فرانسه نیز وجود دارد.^۱

با توجه به تصریح ماده ۲۴۰ لایحه، صلاحیت هیأت مدیره نمی‌تواند فراتر از تعیین نحوه پرداخت سود باشد، آن‌هم صرفاً در فرض سکوت مجمع عمومی. با وجود این، شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۷۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۸ با استناد به ماده ۲۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، تقسیم سود قابل تقسیم بین سهامداران را از تکالیف هیأت مدیره دانسته است.^۲ حال آن‌که اولاً- ماده ۲۳۲ لایحه، هیأت مدیره را تنها مکلف به تنظیم گزارشی از حساب سود و زیان شرکت می‌داند، نه تقسیم سود؛ ثانیاً- به موجب ماده ۹۰ لایحه، تقسیم سود در صلاحیت انحصاری مجمع عمومی است.

طبق تصریح ماده ۲۴۰ لایحه، مجمع عمومی یا هیأت مدیره (حسب مورد) در مقام پرداخت سود ملزم به رعایت مهلت هشت ماهه از زمان صدور مصوبه مجمع عمومی هستند، ولی قانونگذار درباره امکان تمدید مهلت مزبور ساکت است. این مدت در حقوق فرانسه به موجب ماده -L232
 13 قانون تجارت، حداکثر نه ماه پس از پایان سال مالی تعیین گردیده که با تصمیم دادگاه قابلیت تمدید دارد.^۳ از آن‌جا که تمدید مهلت تأدیه سود، خللی به حقوق طلبکاران و یا سهامداران وارد نمی‌سازد، می‌توان همانند فرانسه، در حقوق ایران نیز مهلت تقسیم سود را با حکم دادگاه قابل تمدید دانست. البته تأدیه سود قانونی خارج از مهلت، مشمول عنوان تقسیم موهوم نیست؛ زیرا در چنین حالتی، منافع واقعی بوده لکن خارج از مهلت تأدیه شده است.

1. Article L232-12- «Les modalités de mise en paiement des dividendes votés par l'assemblée générale sont fixées par elle ou, à défaut, par le conseil d'administration, le directoire ou les gérants, selon le cas...»
 2. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/898>
 3. Article L232-12- «Toutefois, la mise en paiement des dividendes doit avoir lieu dans un délai maximal de neuf mois après la clôture de l'exercice. La prolongation de ce délai peut être accordée par décision de justice.»

۲- قاعده یا استثنا بودن ماده ۲۴۰ لایحه

در مقام تفسیر ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت باید روشن گردد که آیا مصادیق تقسیم منافع موهوم منحصر به عدم رعایت تشریفات مندرج در همان ماده است یا دایره شمول آن گسترده تر می‌باشد؟ افزون بر این، آیا مفاد ماده ۲۴۰ مختص به شرکت‌های سهامی است و یا امکان سرایت حکم آن به دیگر شرکت‌های تجاری وجود دارد؟ در این قسمت به موارد مذکور پاسخ داده خواهد شد.

۲-۱- اختصاص یا عدم اختصاص مصادیق تقسیم منافع موهوم به نقض تشریفات مندرج در ماده ۲۴۰

در قسمت قبل، تشریفات که قانونگذار طی ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در خصوص تقسیم سود در نظر گرفته بود، مورد بررسی واقع شد. با توجه به این‌که عنوان تقسیم منافع موهوم در ماده ۲۴۰ لایحه مطرح گردیده، ممکن است چنین استنباط شود که تنها در صورت عدم رعایت تشریفات فوق، این عنوان محقق می‌گردد.

جهت داوری در این باره باید به متن ماده رجوع نمود. در ماده مذکور بعد از بیان این‌که «مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز این‌که سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد»، چنین آمده است: «هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود موهوم تلقی خواهد شد.»

لسان قانونگذار در این جا، لسان بیان «قاعده» است و ای بسا از همین رو برخی از نویسندگان پیرامون آن از لفظ «قاعده» استفاده نموده‌اند.^۱ (اسکینی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۲۶۱) قاعده حقوقی قاعده‌ای است کلی، الزام آور و غیرمغایر با اصول حقوقی (حیاتی، ۱۳۹۷، صص. ۴۰-۴۳) که عبارت «هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد» از ویژگی‌های مزبور برخوردار است. زیرا در این عبارت، اولاً؛ لفظ «هر» از ادواتی است که به واسطه وضع، دلالت بر عموم شمولی دارد و موجب می‌گردد که جمله افاده کلیت نماید. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۱۳۰؛ صدر، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۱۳۶) در نتیجه تنها شامل تشریفات مندرج در ماده ۲۴۰ لایحه نخواهد شد. ثانیاً؛ نفس ذکر این عبارت در قانون و تعیین ضمانت اجرا برای آن در ماده ۲۵۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مبین الزام آور بودنش می‌باشد. ثالثاً؛ مغایرتی با اصول حقوقی مانند عدالت نداشته و مخالف با موازین شرعی - که در اصل ۴ قانون اساسی مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته - نیست.

علاوه بر این، مقنن در عبارت مذکور صریحاً بیان داشته است که عدم رعایت مقررات این قانون (نه این ماده) موجب تحقق تقسیم منافع موهوم است. بنابراین چنانچه اراده قانونگذار اختصاص دادن عنوان تقسیم منافع موهوم به تشریفات مندرج در نص ماده بود، به جای آنکه اذعان دارد: «عدم رعایت مقررات این قانون»؛ اظهار می‌داشت: «عدم رعایت مقررات این ماده».

منطبق بر تفسیر فوق، شعبه ۱۰۶۳ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران، در حالتی که مدیران یک شرکت سهامی بدون در نظر گرفتن «ابطال سهام برخی از سهامداران طبق حکم قطعی دادگاه» تقسیم سود نموده بودند، اقدام آنان را مخالف با ماده ۲۴ لایحه اصلاح قسمتی

۱. عین عبارت به کار رفته چنین است: «هرگاه حسابهای شرکت بیانگر عدم وجود سود قابل تقسیم باشد، پرداخت هیچ گونه وجهی به صاحبان سهام میسر نیست و اگر وجهی به آنان پرداخت شود، در حکم پرداخت سود موهوم است که قانونگذار آن را محکوم کرده و برای تخلف از این قاعده مجازات کیفری معین نموده است.»

از قانون تجارت (متضمن شرط تقسیم سود مطابق درصد سهامداری)^۱ تشخیص داده و منافع اعطایی به سهام‌های باطله را موهوم دانسته است.

گفتنی است در ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، رویکردی متفاوت با حقوق فرانسه مشاهده می‌گردد. زیرا در ماده L232-12 قانون تجارت فرانسه پس از بیان تشریفات تقسیم سود (از قبیل: تصمیم‌گیری توسط مجمع عمومی عادی مبنی بر تصویب حساب سال مالی، احراز وجود سود قابل تقسیم و تعیین مبلغ سود قابل تقسیم) تصریح گردیده است: «هر سودی که بدون رعایت مقررات مذکور در بالا تقسیم شود، منافع موهوم تلقی خواهد بود».^۲ این ماده دلالت بر اختصاص تقسیم منافع موهوم به فرض عدم رعایت تشریفات مندرج در ماده L232-12 دارد. با وجود این، هرچند مواردی مانند تخصیص سود به غیرسهامدار، خارج از شمول ماده مذکور می‌باشد، ولی مطابق ماده 1-314 قانون مجازات فرانسه^۳ تحت عنوان مصداق خیانت در امانت قابلیت پیگیری دارد؛ چه این‌که مدیران شرکت در قبال شرکت و سهامداران آن، امین به حساب می‌آیند.

۲-۲- امکان سنجی سرایت حکم ماده ۲۴۰ به سایر شرکت‌های تجاری

موضوع مهم دیگر درباره ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، بررسی اختصاص داشتن آن به شرکت‌های سهامی و یا شمول آن نسبت به دیگر شرکت‌های تجاری است.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۹۹ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۳ بیان داشته است که مقررات جزایی در نظر گرفته شده برای رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل

۱. ماده ۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر می‌دارد: «سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد...»

2. Article L232-12- «...Tout dividende distribué en violation des règles ci-dessus énoncées est un dividende fictif.»

3. Article 314-1-«L'abus de confiance est le fait par une personne de détourner, au préjudice d'autrui, des fonds, des valeurs ou un bien quelconque qui lui ont été remis et qu'elle a acceptés à charge de les rendre, de les représenter ou d'en faire un usage determine.»

شرکت‌های سهامی به دلیل تقسیم منافع موهوم، منحصرأ مربوط به شرکت‌های سهامی عام و خاص بوده و ارتباطی به سایر شرکت‌ها ندارد. (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۳)

اما قانونگذار غیر از مواد ۲۴۰ و ۲۵۸ لایحه، در مواد دیگری از قانون تجارت، از تقسیم منافع موهوم و مجازات اشخاصی که به آن مبادرت ورزند سخن به میان آورده است. طبق بند (ج) ماده ۱۱۵ قانون تجارت «مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند، کلاهبردار محسوب می‌شوند.» همچنین براساس بند (۳) ماده ۹۲ قانون تجارت «مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند، کلاهبردار محسوب می‌شوند.»^۱ مواد قانونی فوق مؤید آن است که عنوان تقسیم منافع موهوم مختص به شرکت‌های سهامی نمی‌باشد.

هم‌چنین در آثار حقوقی، اصطلاح منافع موهوم به طور مطلق برای تمام شرکت‌های بازرگانی به کار رفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹۰) و برخی از مؤلفان در ذیل بحث از سود قابل تقسیم اظهار داشته‌اند: هرچند «در مورد شرکت‌های مشمول قانون تجارت تعریفی از سود قابل تقسیم وجود ندارد و تنها ماده ۱۱۳ از ضرورت تشکیل سرمایه احتیاطی (اندوخته قانونی) در شرکت با مسئولیت محدود سخن گفته است معذک سکوت قانون نباید به معنی خروج از حد متعارف و تجویز تقسیم منافع موهوم میان شرکا تلقی گردد.» (کاویانی، ۱۴۰۱، ص. ۲۳۸)

با این حال، پیرامون دیدگاه شمول ماده ۲۴۰ لایحه نسبت به دیگر شرکت‌های بازرگانی، این اشکال قابل طرح است که تعمیم عنوان تقسیم منافع موهوم به کلیه شرکت‌ها و سرایت دادن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده برای ماده ۲۴۰ به غیر آن، در مخالفت با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. بنابراین به نظر می‌رسد به جهت اهمیت موضوع، نیاز است که قانونگذار صراحتاً تقسیم منافع موهوم در دیگر شرکت‌های بازرگانی را جرم‌انگاری نماید.

۱. این ماده با تصویب لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ نسخ گردیده است.

۳- ضمانت اجرای ماده ۲۴۰ لایحه

برای عدم رعایت تشریفات مندرج در ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، دو دسته ضمانت اجرای حقوقی و کیفری پیش‌بینی شده که در این قسمت به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳-۱- ضمانت اجرای حقوقی: سهامداران شرکت می‌توانند در بحبوحه اقدامات شرکت برای تقسیم منافع موهوم با استفاده از ظرفیت‌های قانون تجارت مانع از تحقق آن گردند. بدین ترتیب که با بهره‌گیری از حق اداره شرکت، عنداللزوم از طریق دعوت صاحبان سهام و اتخاذ تصمیمات لازم از قبیل عزل مدیران متخلف و نصب مدیران جدید، اسباب ممانعت از تقسیم منافع موهوم و تقسیم سود واقعی را فراهم آورند. (کاویانی، ۱۴۰۱، صص. ۲۳۹-۲۴۰) در این خصوص ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، هیات مدیره شرکت سهامی را کلاً یا بعضاً قابل عزل دانسته است.

با وجود این، پس از تحقق تقسیم منافع موهوم، سازوکارهای غیرقضایی چندان راهگشا نیست و باید به محاکم متوسل شد. قانونگذار در ماده ۲۷۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر داشته است: «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد...»^۱ براین اساس، می‌توان با طرح دعوی حقوقی، ابطال تصمیمات غیرقانونی شرکت که منجر به تقسیم منافع موهوم گردیده را از دادگاه صالح درخواست نمود. مدیران متخلف هم باید پاسخگوی اقدامات خود باشند.^۱

طبق ماده ۱۵۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، بازرس شرکت نیز در صورت ارتکاب تخلف در جریان تقسیم منافع موهوم، براساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی مسئول جبران

۱. در صورت تعدد مدیران، مسئولیت حقوقی آنان با توجه به عدم وجود نص خاص، غیرتضامنی خواهد بود.

(فرحناکیان، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۸)

خسارات است و می‌توان علیه او اقامه دعوی کرد. توضیح این‌که براساس ماده ۱۴۸ لایحه «بازرس یا بازرسان ... مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورتحساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به طور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند.»

در فرضی که سهامداران سود موهومی را دریافت نموده ولی از استرداد آن امتناع می‌ورزند هم، می‌توان به طرفیت آنان طرح دعوی کرد. برخی از نویسندگان پیش از نسخ ماده ۸۸ قانون تجارت^۱ با استناد به ماده مذکور بیان داشته‌اند: «در حالتی که ترازنامه تنظیم شده و سود قابل تقسیم طبق ترازنامه صحیح باشد ولی ارقام ترازنامه صحیح نباشد و صاحبان سهام نیز حسن نیت داشته و از غیرواقعی بودن آن‌ها اطلاع نداشته باشند، نمی‌توان منافع را از آن‌ها استرداد نمود، ولی اگر سوءنیت آن‌ها ثابت شود، استرداد منافع مزبور ممکن است.» (ستوده تهرانی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص. ۲۶۲) لکن پس از نسخ آن ماده، مؤلفان به طور مطلق گفته‌اند اشخاصی که سود موهومی را دریافت کرده‌اند باید آن را مسترد نمایند؛ زیرا در واقع، آنان چیزی را دریافت کرده‌اند که حق دریافت آن را نداشته‌اند. (اسکینی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۲۸۲)

۱. مطابق ماده ۸۸ قانون تجارت «استرداد منافی که بین شرکا تقسیم شده ممکن نیست مگر این‌که تقسیم بدون ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصله از صورت مزبور به عمل آمده باشد، در این صورت فقط تا پنج سال اقامه دعوی استرداد می‌توان نمود. مبدأ مرور زمان روز تقسیم منافع است.»

افزون بر دعاوی فوق - که در راستای اعاده وضع به حالت سابق و جبران آثار حقوقی ناشی از آن است - می توان با استناد به عمومات قواعد آیین دادرسی مدنی، دعوی الزام شرکت به محاسبه سود قابل تقسیم و پرداخت آن را مطرح کرد. (کاویانی، ۱۴۰۱، صص. ۲۳۹-۲۴۰)

۳-۲- ضمانت اجرای کیفری: قانونگذار در ماده ۲۵۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، رئیس و اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکت را که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند، مستوجب حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال دانسته است. در حقوق فرانسه به موجب بند (۱) ماده L242-6 قانون تجارت، برای تقسیم منافع موهوم مجازات پنج سال حبس و ۳۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی تعیین شده است.^۱

با وجود آن که طبق ماده ۸۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، «مجمع عمومی عادی» درباره تقسیم سود تصمیم می گیرد، ولی قانونگذار در ماده ۲۵۸ لایحه، مسئولیت کیفری ناشی از تقسیم منافع موهوم را متوجه مجمع ندانسته است. دلیل مطلب فوق آن است که تقسیم منافع براساس اسناد مالی شرکت صورت می پذیرد و براساس ماده ۲۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اعضای هیات مدیره عهده دار تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان هستند. مدیرعامل شرکت هم حتی در فرض عدم عضویت در هیات مدیره، به جهت اختیارات تفویضی از سوی هیات مدیره مسئول است.

شایان ذکر است، تصریح ماده ۲۵۸ لایحه به قید «تقسیم منافع به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور یا بدون صورت دارایی و ترازنامه» اشاره ای به وظیفه قانونی اعضای هیات مدیره مبنی بر تنظیم اسناد مالی شرکت بوده و مؤید تأکید قانونگذار بر نقش اساسی اشخاص مذکور در

1. Article L242-6- «Est puni d'un emprisonnement de cinq ans et d'une amende de 375 000 euros le fait pour :^۱ Le président, les administrateurs ou les directeurs généraux d'une société anonyme d'opérer entre les actionnaires la répartition de dividendes fictifs, en l'absence d'inventaire, ou au moyen d'inventaires frauduleux»

جریان تقسیم سود است. همین وضعیت در ماده ۱۱۵ قانون تجارت پیرامون شرکت‌های با مسئولیت محدود و همچنین ماده ۹۲ قانون تجارت (منسوخ) مشاهده می‌گردد؛ زیرا در این موارد هم تنها مدیران شرکت مسئولیت کیفری ناشی از تقسیم منافع موهوم را بر عهده دارند. (اسکینی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۲۸۲)

جمع بندی و نتیجه

ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، تشریفات را برای تقسیم سود برشمرده است که عدم رعایت آن‌ها موجب تحقق تقسیم منافع موهوم می‌گردد. این تشریفات شامل «تصمیم‌گیری مجمع عمومی عادی مبنی بر تصویب حساب سال مالی، احراز وجود سود قابل تقسیم، تعیین دقیق مبلغ سود قابل تقسیم، تجویز تقسیم سود از محل اندوخته‌ها و تعیین نحوه پرداخت سود» می‌باشد. ماده L232-12 قانون تجارت فرانسه - با اندکی تفاوت - چنین تشریفات را برای تقسیم منافع در نظر گرفته است.

در ماده ۲۴۰ لایحه، قانونگذار با بیان این‌که «هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون (نه صرفاً این ماده) تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد»، نشان داده که در مقام تأسیس قاعده‌ای بوده است که گستره آن محدود به موارد مندرج در ماده ۲۴۰ نیست. در واقع مقنن به طور عام، نقض هر یک از تشریفات قانونی درباره تقسیم سود را موجب تحقق تقسیم منافع موهوم به حساب آورده است. استدلال فوق پیرامون ماده L232-12 قانون تجارت فرانسه قابلیت طرح ندارد؛ زیرا در آن ماده پس از برشمردن تشریفات تقسیم سود ذکر شده است: «هر سودی که بدون رعایت مقررات مذکور در بالا تقسیم شود، منافع موهوم تلقی خواهد بود». پس در حقوق فرانسه تحقق عنوان تقسیم منافع موهوم، منحصر به عدم رعایت تشریفات مندرج در ماده L232-12 می‌باشد. گرچه در فروضی مانند تخصیص سود به غیرسهامدار، می‌توان به استناد ماده 1-314 قانون مجازات فرانسه علیه مدیران شرکت، به جرم خیانت در امانت طرح شکایت کرد.

شامل ماده ۲۴۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت نسبت به دیگر شرکت‌های بازرگانی در حقوق ایران محل تردید است. زیرا هرچند برخی از نویسندگان عنوان تقسیم منافع موهوم را به طور مطلق برای تمام شرکت‌های تجاری به کار برده و بیان نموده‌اند که سکوت قانون درباره دیگر شرکت‌های بازرگانی نباید به معنی خروج از حد متعارف و تجویز تقسیم منافع موهوم تلقی گردد، لکن به نظر می‌رسد سرایت عنوان تقسیم منافع موهوم به کلیه شرکت‌ها و تعمیم ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده در ماده ۲۵۸ لایحه به غیر آن، مخالف با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل تفسیر به نفع متهم و ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی است.

راه‌های قانونی مقابله با تقسیم منافع موهوم بدین شرح است که پیش از نهایی شدن تقسیم، ذی‌نفعان می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌هایی مانند عزل مدیران (موضوع ماده ۱۰۷ لایحه) از وقوع آن جلوگیری به عمل آورند. اما پس از آن، باید به سراغ ضمانت اجرای قضایی بروند. در این راستا، طبق بند اول ماده ۲۵۸ لایحه از لحاظ کیفری امکان طرح شکایت علیه رئیس، اعضای هیات مدیره و مدیر عامل شرکت به جرم تقسیم منافع موهوم وجود دارد. از لحاظ حقوقی نیز می‌توان دعاوی متعددی از قبیل: دعوی ابطال تصمیمات غیرقانونی شرکت دایر بر تقسیم منافع موهوم (مطابق ماده ۲۷۰ لایحه)، دعوی جبران خسارت علیه بازرسان شرکت (مطابق مواد ۱۵۴ و ۱۴۸ لایحه)، دعوی مطالبه خسارت به طرفیت مدیران، دعوی استرداد سود موهوم دریافتی توسط سهامداران و دعوی الزام شرکت به محاسبه سود قابل تقسیم و پرداخت آن (براساس عموماً قواعد آیین دادرسی مدنی) اقامه نمود.

فهرست منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
۲. قانون تجارت (۱۳۱۱).
۳. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
۴. لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت (۱۳۴۷).

۵. اسکینی، ربیعا (۱۴۰۱). حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری (ج ۲). چاپ ۳۰. تهران: سمت.
۶. اسکینی، ربیعا (۱۴۰۲). حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری (ج ۱). چاپ ۳۳. تهران: سمت.
۷. بازگیر، یدالله (۱۳۷۸). موازین حقوق تجارت در آراء دیوانعالی کشور، چاپ ۱. تهران: گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. چاپ ۷. تهران: گنج دانش.
۹. حسنی، حسن (۱۳۹۸). حقوق تجارت (ج ۲). چاپ ۳. تهران: میزان.
۱۰. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۷). مفهوم «اصل حقوقی» و مقایسه آن با «قاعده حقوقی» (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه). دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۲۹-۴۴.
doi:10.30473/clk.2018.5422
۱۱. دمرجیلی، محمد و همکاران (۱۳۹۷). قانون تجارت در نظم کنونی. چاپ ۲۶. تهران: دادستان.
۱۲. ستوده تهرانی، حسن (۱۴۰۲). حقوق تجارت (ج ۲). چاپ ۲۸. تهران: دادگستر.
۱۳. سکوتی نسیم، رضا (۱۴۰۱). حقوق شرکت‌های تجاری (ج ۱). چاپ ۲. تهران: مجد.
۱۴. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵). المعالم الجدیة للأصول. چاپ ۲. تهران: مکتبه النجاح.
۱۵. عابدینی، حسین و تراشیون، سید محمدرضا، رویکرد نوردیک، رویکرد نوظهور نظام اداره شرکت‌ها؛ مطالعه تطبیقی حقوق کشورهای اسکاندیناوی و حقوق ایران، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۳۱۷-۳۳۸.
doi:10.30497/law.2023.244291.3370
۱۶. عبادی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق تجارت. چاپ ۴۲. تهران: گنج دانش.
۱۷. عبدی پور فرد، ابراهیم (۱۴۰۲). حقوق تجارت (ج ۲). چاپ ۱. تهران: مجد.
۱۸. فرحناکیان، فرشید (۱۴۰۱). قانون تجارت در نظم کنونی. چاپ ۱۲. تهران: میزان.
۱۹. کاتبی، حسینقلی (۱۴۰۰). حقوق تجارت. چاپ ۱۳. تهران: گنج دانش.
۲۰. کاویانی، کورش (۱۴۰۱). حقوق شرکتهای تجاری. چاپ ۷. تهران: میزان.
۲۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). اصول الفقه. چاپ ۴. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. نوروش، ایرج و همکاران (۱۳۹۱). حسابداری شرکتهای (۲) براساس استانداردهای حسابداری ایران و مطابق با قانون تجارت ایران، چاپ ۴. تهران: کتاب نو.

23. Code de commerce Français (2000)

24. Code pénal Français (2020)

25. <https://ara.jri.ac.ir>

26. <https://www.legifrance.gouv.fr>